

فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۶۶۷۶ شماره ششم (بهار ۱۴۰۰)

بررسی نقش روحانیون در بهبود رشد آموزشی و پرورشی

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

احمد رضا زارعی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

دین برای آدمی موهبتی الهی و تربیت دینی فرصتی مهم در رشد و توسعه ی فطرت وجودی انسان می باشد. این تربیت باعث می گردد که انسان را به یک فلسفه حیات مسلح کرده و به عقل وی روشننگری بخشد. در نظام آموزشی ایران توجه به آموزه های دینی دانش آموزان به منظور اخلاقی کردن جامعه و پرورش فضائل و نیکی ها در اجتماع، از جمله اهداف مهم آموزش و پرورش و از آن فراتر، جامعه اسلامی محسوب می شود. جامعه ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعداد هایشان را شکوفا سازند. شیوه ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه ی ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان کار ساده ای نیست. لذا لازم است همه ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند.

واژگان کلیدی: روحانیون، روحانیت، آموزش و پرورش، مدرسه

مقدمه

پیشینه تاریخی نظام تعلیم و تربیت در ایران، بیانگر ارتباط مستمر روحانیون با محیط‌های آموزشی است. میزان این ارتباطات در دوره‌های مختلف کم و زیاد شده است. زمانی تمام فعالیت‌های آموزشی، منحصراً در دست آنان بوده و زمانی هم با رشد نیازهای جدید و تنوع اندیشه‌ها و تقاضاها در سطح اجتماع، این انحصار رو به کاهش گذاشته است. هرچند بخش اعظمی از نهاد روحانیت از تأسیس و گسترش مدارس جدید از هار خرسندی نمی‌کرد، اما در میان بنیانگذاران آموزش و پرورش نوین، روحانیون پیشتازی هم به چشم می‌خورد که نه تنها حامی این مدارس بودند بلکه خود، مؤسس شمرده می‌شوند. با استقرار نظام‌های نیمه‌عرفی و متعاقب آن تحولات سریع جامعه ایرانی در جهت مدرن‌سازی نهاد‌های جامعه، تأثیر ظرفیت‌های روحانیون در دستگاه تعلیم و تربیت رسمی کشور رو به کاهش نهاد. البته دولت‌های وقت به دلیل گرایش‌های عامه مردم به مظاهر و شعائر مذهبی، هیچگاه به طور کامل مانع حضور روحانیون در این دستگاه نمی‌شدند. حتی بعد از خرداد چهل و دو نیز این ارتباط قطع نشد. تألیف کتاب‌های درسی و تدریس در رشته‌های مرتبط، بیانگر گوشه‌ای از فعالیت روحانیون در مقاطع تاریخی مختلف است. بسیاری از آن‌ها که دستی در معلمی و مدرسه‌داری داشتند به استخدام دولت درآمدند. در دوره‌ای که رضا شاه پهلوی، سیاست "مدرن‌سازی آمرانه" نهاد‌های اجتماعی را در پیش گرفت، سخت‌گیری و شدت بر این گروه (گروهی از روحانیون که در آموزش و پرورش به سیاست‌های عرف‌گرایانه دولت وقت تعهدی نشان نمی‌دادند) افزایش یافت، اما سقوط وی بعد از شهریور بیست، مجدداً فضا را برای این فعالیت‌ها مساعد کرد. گذشته از این، بخشی از روحانیون ناراضی، در دوره پهلوی دوم به دایر کردن مدارس خاص همت گماشتند کارنامه این افراد نیز از موفقیت خالی نیست. به مرور زمان بر تعداد این مدارس افزوده شد (موسسات و مدارس علوی و رفاه از این دستند، حتی در مدیریت از افراد روحانی استفاده می‌کردند). بعد از انقلاب اسلامی نیز از میان پرورش یافتگان این مدارس که ارتباط خود را با روحانیت حفظ کرده بودند کسانی به دایر کردن موسسات و مدارس نوین با رویکرد تربیت

دینی پرداختند این مجموعه ها یا مستقیماً توسط روحانیون اداره می شد و یا تحت نظر آنان فعالیت می کرد. (مدارس تحت تدبیر جامعه تعلیمات اسلامی، موسسات آموزشی وابسته به مؤتلفه اسلامی، مدارس علوم و معارف اسلامی وابسته به مدرسه عالی شهید مطهری و جامعه الصادق، ویا مجموعه هایی که تحت نظر سازمان تبلیغات اسلامی با نام صدرا راه اندازی شده اند. حتی در یک دوره کوتاه مدرسه ای به نام "نور" با کمک و حمایت های مرحوم آیت الله سید مجتبی تهرانی در رشته ریاضی به فعالیت پرداخت و جزء مدارس موفق منطقه دوازده محسوب می شد). آموزش های اعتقادی در کنار انجام پر رنگ مناسک و شعائر مذهبی وجدیت و دقت در گزینش و انتخاب دانش آموزان، مربیان و مشاوران پایه های تحصیلی و بهره مندی از حضور روحانیون در کلاس های درس، مجالس اخلاق وارد و ها، از ویژگی های این مدارس شمرده می شود.

بخش اول: بیان موضوع

اما دغدغه اخلاق و نگرانی از کم رنگ شدن گرایش های دینی در میان دانش آموزان مدارس دولتی، دو عامل عمده ای بودند که همواره ذهن مسئولین آموزش و پرورش را در دوره های مختلف آزار می داد. و رویای مدرسه فاضله ای که در جهت اهداف مدارس فوق الذکر گردش نماید در پس و پشت ذهن آنان بود. آن ها عمدتاً با الگو برداری از مدارس فوق الذکر، سعی وافر داشتند و دارند تا برای این نقیصه ها راه حلی بیابند (خوب است بدانیم بخش عمده ای از افراد تأثیر گذار در تصمیمات آموزش و پرورش و حتی سایر ارگان های دولتی، از این موسسات و مدارس خاص بالیده اند و یا کماکان ارتباط خود را با آن ها حفظ کرده اند). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از مشارکت "حوزه های علمیه" سخن به میان آمده، هرچند حتی قبل از رونمایی از این سند، تلاش هایی برای برقراری ارتباط پایدار تر و روحانیون با مدارس صورت پذیرفته، در وزارت آقایان فرشیدی و علی احمدی این طرح پیگیری شد و منجر به امضای توافق نامه ای با رئیس حوزه های علمیه قم (حجة الاسلام والمسلمین مقتدایی) گردید و آخرین وزیر آموزش و پرورش دولت دهم مطرح کرد که: "آموزش و پرورش از حضور روحانیون در مدارس استقبال می کند." و نیز بنا به گفته

حجۀ الاسلام ملکی مشاور وقت وزیر و دبیر همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش، حوزه‌ها در فکر "راه اندازی رشته تربیت مبلّغ برای واحد‌های دانش‌آموزی" هستند. همکاری‌ها در پنج عرصه شکل می‌گرفت: اشاعه فرهنگ و پشتیبانی، تبلیغ و پرورش، آموزش و اعزام نیروی انسانی، پژوهش و تولید مواد و رسانه‌ها و مدارس وابسته. این طرح وقتی منجر به واکنش افراد مختلف در آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه شد که طبق تفاهم نامه‌ای بین اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران و مدیریت حوزه علمیه برادران استان تهران (این تفاهم نامه توسط میر کل فعلی شهر تهران امضاء شده)، مقرر گردید که در بعضی مدارس که از این به بعد به "مدارس امین" نام برده می‌شوند، روحانی ثابت مستقر گردد. والبتّه همزمانی مطرح شدن این مطلب با حضور تعداد زیادی از روحانیون جوان در مدارس شهر تهران بر دامنهٔ رسانه‌ای آن افزود. بعضی از تشکل‌ها ضمن فراخوان عمومی، خواستار لغو این تفاهم نامه شدند و در مقابل بعضی از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی به دفاع از طرح پرداختند. فی‌المثل، مدیر حوزه علمیه بوشهر مطرح کرد: "متأسفانه برخی‌ها در پی این هستند که حضور روحانی در مدارس امین را با مشکلاتی مواجه کنند و حوزه‌های هراسی و روحانی‌هراسی را در بین نیروهای فرهنگی به وجود آورند و این شائبه را ایجاد کنند که روحانیون با حضور خود قصد دارند مدیریت در مدارس را به دست گیرند." آقای حداد عادل که یک‌چهره آشنا در آموزش و پرورش ایران است نیز ضمن بیان اینکه: "وجود روحانیون در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش می‌تواند به کلیت تعلیم و تربیت کمک کند" افزود: "این طرح دارای معایب و محاسنی است که محاسن آن بسیار بیشتر از معایب آن بوده و باید تلاش کرد تا معایب آن نیز بر طرف گردد." "در فضای مجازی و مطبوعاتی نوعی خلط مطلب پیش آمد. حضور روحانیون در مدارس در قالب طرح‌هایی که به امضای مسئولین می‌رسد، چیز تازه‌ای نیست البته در دوره‌های دولت نهم و دهم بر حجم و تعداد این طرح‌ها و اختصاص بودجه‌های ویژه افزوده شد (طرح‌هایی مرتبط با مهدویت، بصیرت و...). تا بحال نیز حضور روحانیون را دانش‌آموزان کنجکاو، با سردی پاسخ نگفته‌اند. برگزاری نمازهای جماعت و طرح احکام شرعی مبتلابه، پاسخ به سؤالات و مسائل اعتقادی و خصوصاً طرح مطالبی که در مناسبت‌های ملی و مذهبی و سیاسی

کشور جریان دارد، بخشی از فعالیت های روحانیون را شامل شده است. در خبر ها هم داشته ایم که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بیش از بیست و یک هزار روحانی در بیست و شش هزار مدرسه در سراسر کشور برای برپایی نماز جماعت مشارکت نموده اند. تا اینجا با یک فعالیت عمومی مواجه هستیم که البته باید به صورت جدی مورد آسیب شناسی قرار گیرد. اما در کنار این فعالیت ها، طرحی در شرف اجراست که تعدادی از مدارس دولتی در قالب "مدارس امین"، نوعی وابستگی به حوزه های علمیه پیدا کنند. این وابستگی ها در قالب تفاهم نامه هایی صورت می گیرد که مورد توافق مسئولین آموزش و پرورش و مدیریت حوزه های علمیه باشد. این مطلب در قالب یک طرح می تواند مورد ارزیابی و آسیب شناسی قرار گیرد. اما قبل از آن نگاهی اجمالی به این تفاهم نامه خالی از فایده نخواهد بود. این تفاهم نامه در پنج ماده و سی و پنج بند تنظیم شده است و از تاریخ امضاء (بیستم آذر ۱۳۹۲) به مدت دو سال اجرا می شود در صورت توافق طرفین، قابلیت اصلاح و تمدید مجدد را دارد. در ماده اول این تفاهم نامه از "همکاری و اهتمام مشترک به امر راه اندازی و توسعه مدارس امین وابسته به حوزه علمیه" سخن رانده شده و در بند دیگری از این ماده آمده "براساس این طرح با انتخاب (مدیریت حوزه) و توافق (اداره کل) مدرسه دولتی به مدرسه وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شود و (مدیریت حوزه) با استقرار روحانی ثابت در این مدارس مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد داشت". و نیز پیش بینی شده که "تعداد مدارس که هر سال به این طرح افزوده می شوند بر اساس ظرفیت های اعلام شده از سوی (مدیریت حوزه) تعیین می گردد." در ماده ۲ (اصول و سیاست های حاکم بر همکاری ها) "حرکت در چ هارچوب احکام دینی و مقررات نظام مقدس جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت و نشر اندیشه تبعیت از ولایت مطلقه فقیه"، مطرح گردیده است. در ماده ۳ به تعهدات اداره کل پرداخته شده و در بند هایی، این تعهدات شامل: تشکیل جلسات، توجیه طرح، تلاش برای انتخاب مدیر و کادر هماهنگ با طرح با عنایت به ظرفیت های موجود، تعیین مکان مشخص برای روحانی بعنوان دفتر کار برای ارائه مشاوره، پاسخگویی به سؤالات و ارتباط با خانواده ها، حمایت و تأمین مالی وامکانات لازم به صورت ویژه، هماهنگی با مدیریت مدرسه برای حضور روحانی در بخشی از

کلاس‌های پرورشی به صورت منظم یا پنجره باز در هر پایه تحصیلی، هماهنگی لازم جهت بهره‌مندی معلمان از دوره‌های آموزشی تخصصی مدیریت حوزه، می‌شود. و در ماده ۵ تعهدات مدیریت حوزه علمیه شمرده شده: نظارت بر محتوای برنامه‌ها و فضا‌های تربیتی و فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها، سایت و... (نقطه چین عیناً در متن تفاهم نامه آمده است)، برگزاری دوره‌های آموزشی مهارتی جهت ارتقاء و رشد فکری و افزایش توانمندی معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء، با هماهنگی کارگروه مشترک، شرکت موثر مبلغان در اردو‌ها و گردش‌های علمی مدرسه، ارتباط مبلغان با دانش‌آموزان در خارج از کلاس مانند زنگ تفریح، صبحگاه و بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌های موجود برای اجرای طرح تربیتی می‌باشد.

بخش دوم: بحث و بررسی

با وجود اینکه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، تلاش‌های زیادی برای ایجاد فضای معنوی و ارائه محتوای دینی، مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی در مدارس صورت گرفته، اما به نظر می‌رسد، از یک سو به علت رسوخ و نفوذ برخی رویکردها و جریان‌های داخلی و خارجی (مانند؛ سند ۲۰۳۰) به نظام آموزشی و از سوی دیگر به علت تأثیرات منفی فضای مجازی و برنامه‌های دین‌زدایانه شبکه‌های ماهوارهای بر جامعه، اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولین کشور، تا حدود زیادی اثربخشی خود را از دست داده است. علاوه بر این؛ طی این سال‌ها، نظام آموزشی کشور به دلیل عدم ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه نتوانسته است، به تمام اهداف موردنظر برای ارائه محتوای مبتنی بر مبانی اسلامی به مفهوم واقعی آن دست پیدا کند، شاید یکی از دلایل این ناکامی ناشی از آن باشد که متولیان تهیه و تدوین متون آموزشی، همچنان تلاش می‌کنند تا با مزین نمودن الگوهای قبلی به آیات و روایات اسلامی، الگویی به ظاهر جدید و در عین حال، اسلامی ارائه نمایند. اتفاقاً انحراف در مسیر تربیت جوانان و نوجوانان به سوی اهداف والای انقلاب اسلامی، درست از همین جا کلید می‌خورد، در واقع به علل مختلف از جمله؛ عدم تسلط و اشرافیت کافی دست‌اندرکاران تهیه و تدوین متون با اصول و مبانی اسلامی و نیز فقدان رابطه مفید و مؤثر سیستم آموزشی کشور با حوزه‌های علمیه و علمای دینی (متخصصین امور دینی) در سطوح مختلف

تحصیلی، (از مدرسه تا دانشگاه)، نتوانست هایم در انتقال مفاهیم اسلامی به جوانان و نوجوانان، به شکل کاملاً موفق عمل کنیم. قطعاً اگر نظام آموزشی کشور از همان ابتدا در یک اقدام مشترک و در تعامل نزدیک و گسترده با اساتید حوزه و دانشگاه، اقدام به تدوین متون آموزشی می‌نمود و همزمان، مراکز تربیت معلم و مراکز تربیت معلم مانند دانشگاه تربیت مدرس، بیش از پیش از همکاری اساتید حوزه های علمیه برای تربیت معلمین و اساتید بهره می‌برد و اگر حوزه های علمیه نیز با آینده‌نگری لازم و برنامه‌ریزی مناسب، نقش پررنگ‌تری را در این زمینه بر عهده می‌گرفتند، نتیجه بهتری عاید می‌شد و کار به اصلاحات ظاهری و شکل و قالب کار محدود نمی‌شد. البته همان‌گونه که اشاره شد، این مشکل عمومیت ندارد، اما رفع آن مستلزم اقدامات فوری، فراگیر و گسترده برای حل مشکل در حوزه های مختلف است، اقداماتی مانند؛ بازنگری و اصلاح مجدد متون آموزشی، بازنگری و اصلاح نظام جذب و آموزش معلمین و اساتید و ایجاد یک شبکه مناسب برای استفاده بیشتر از ظرفیت حوزه های علمیه و توان فکری و ذهنی طلاب واجد شرایط در مدارس و دانشگاه ها، از مصادیق اقداماتی است، که برای رفع مشکلات آموزشی موجود در اولویت قرار دارند. طرح یک روحانی برای هر مدرسه تحت عنوان «سفیران هدایت» به عنوان یک طرح پیشنهادی، که می‌تواند با کمک ن هاد رهبری در دانشگاه ها نیز به شکل دیگری عملیاتی شود، در پی آن است تا با ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین طلاب عزیز با بدنه جامعه آموزشی کشور و تعامل نزدیک و مستمر با دانش‌آموزان، دانشجویان و همچنین معلمین و اساتید، به رفع نواقص موجود در این رابطه کمک نماید. به عبارت دیگر در قالب این طرح پیشنهادی قرار است، طلاب و روحانیون بزرگوار از محصور ماندن در فضای حوزه های علمیه، مساجد و هیئت مذهبی اجتناب نموده و همان‌گونه که پیامبران الهی (ص) و ائمه معصومین (ع) با حضور گسترده و مستمر بین مردم، به رسالت خود برای جذب و هدایت جامعه به سوی معارف الهی و ارزش های مثبت اجتماعی عمل می‌کردند، نقش فعال‌تری را در این زمینه بر عهده بگیرند.

- کمک به احیاء؛ ترویج و ن هادینه سازی مفاهیم و اصول و ارزش های اسلامی در مدارس و دانشگاه
- تقویت ارتباط روحانیت با پیکره جامعه، در بخش دانش آموزی و دانشجویی و سایر مراکز آموزشی.
- کمک به تقویت آموزش های دینی و ارتقاء سطح فکری، رفتاری و معنوی دانش آموزان و دانشجویان.

پاسخگویی به شبهات مذهبی و دینی دانش آموزان و دانشجویان و سایر متولیان بخش آموزش.

کمک به تقویت آموزش های تربیتی و پرورشی و همچنین م هارت های مدیریتی از نگاه اسلام.

ایجاد انس و الفت بیشتر و رابطه قویتر، بین جوانان و نوجوانان با طلاب و روحانیون بزرگوار. کلیه مراکز آموزشی در چارچوب قانون موظف شوند، با تنظیم تفاهم نامه بین آموزش و پرورش و حوزه های علمیه یا شورای سیاست گذاری ائمه جمعه و جماعات شهرستان ها، به ازای هر مدرسه یک طلبه حداقل سطح دو و ترجیحاً جوان را برای هر مدرسه جذب و به کارگیری نمایند. دانشگاه ها نیز در قالب تفاهم نامه مورد اشاره، ترجیحاً از همکاری اساتید حوزوی (به ازای هر دانشکده یک روحانی) برخوردار شوند. طلاب و روحانیون جذب شده موظف شوند، در فاصله برگزاری کلاس های درسی مدارس یا به عنوان مربی پرورشی در کلاس های درس، با دانش آموزان و مربیان در تعامل نزدیک و چهره به چهره قرار گرفته و به شکل صمیمانه رفاقت نمایند. طلاب و روحانیونی که در اجرای طرح مشارکت می کنند، باید تلاش کنند تا در جریان تعامل با دانش آموزان و دانشجویان، کار هدایت و طرح مسائل مورد نیاز قشر جوان و نوجوان را به شکل ترجیحاً غیرمستقیم ارائه نمایند. طلاب عزیز به کارگیری شده در مدارس، باید تربیتی اتخاذ نمایند تا ضمن تقویت و تعمیم مراسم نماز جماعت در مدارس، در تعامل با بسیج دانش آموزی مدرسه و بسیج فرهنگیان شهرستان،

مفاهیم و ارزش های دینی به شکل منطقی، اصولی و هدفمند در مدارس ن هادینه شود. برنامه ریزی برای انتقال اصولی مفاهیم دینی یا برگزاری مناسبت های مذهبی و ملی یا تشکیل گروه های مردم ن هاد تبلیغی و ترویجی و حتی برنامه ریزی در جهت تقویت مؤلفه هایی رفتاری مانند؛ آرمانگرایی، برنامه ریزی، تحقیق و مطالعه، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، دینداری، صداقت و راستگویی و همچنین حساس نشان دادن در برابر اموری مانند؛ تخریب محیط زیست و اموال عمومی و امثال آن، در شکل دادن اصولی به شخصیت دانش آموزان، مشارکت نمایند.

نقش روحانیون بزرگوار در دانشگاه ها بیشتر پاسخگویی به سؤالات و رفع شب هات و معرفی اصولی و اثرگذار اسلام ناب محمدی (ص) و اهداف عالی انقلاب و نیز احیاء مراسم عبادی به عنوان یک ارزش اجتماعی از طریق ترغیب دانشجویان و اساتید محترم به شرکت در نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی است. جذب نیرو می تواند به شکل رسمی و تدریجی باشد و یا به صورت حق التدریسی و یا پاره وقت و غیررسمی در قالب طرح کارآموزی برای طلاب به شکل هفت های دو روز یا ماهی یک هفته و یا سالی یک ماه. البته خوب است ترتیبی اتخاذ شود تا همزمان، بخشی از دوره آموزشی مربیان پرورشی ترجیحاً در حوزه های علمیه یا توسط حوزه های علمیه ارائه شود و برای مربیان موجود نیز با همکاری حوزه های علمیه دوره های حین خدمت برگزار شود. امید است توجه به این پیشنهاد کاربردی و اجرای فوری این طرح بتواند از هدر رفتن بیش از پیش فرصت ها جلوگیری و شرایط را برای بهبود شرایط آموزشی و به خصوص، نظام تربیتی و پرورشی در مراکز آموزشی کشور فراهم سازد. حوزه های علمیه می توانند برای پیگیری طرحی که به تشویق محصلان دولتی برای حضور در حوزه ها می انجامد به تجارب دبیرستان های علوم و معارف توجه نمایند. این نوع مدارس بر مدارگزینش محصلان می گردند. از طرف دیگراراده و تقاضای محصلان و خانواده های آن ها نیزبرای ادامه تحصیل در این نوع مدارس، اهمیت می یابد و البته بودجه و امکانات و تجهیزات و فضای آموزشی، نیز مطرح است. این در حالی است که هنوز بحث سرانه مدارس دولتی، امری جدی محسوب می شود. اینکه در شهر تهران مدارس را به عنوان این

طرح، از فعالیت معمول خود خارج کنیم یک آسیب دیگری نیز متوجه آموزش و پرورش و مردم می کند. تا بحال با طرح های متنوعی که اجرا شده، تعداد قابل توجهی از مدارس دولتی خوب و خوشنام، این امکان را از دست داده اند که علی السویه به همه متقاضیان خدمت رسانی کنند. مثلاً طرح مدارس "هیئت امنایی" بعضی از مدارس خوب هر منطقه را، به خود اختصاص داد و حالا این مدارس با نوعی رفتار گزینشی و نخبه گرایی و تعیین نوعی شهریه و جذب معلمان کارآمدتر و پرداخت مبلغ افزوده تر در کنار حقوق رسمی معلمان، از سفره مدارس دولتی برخاسته اند. به این ترتیب دایره مدارس دولتی که طبق قانون بدون هیچ شرط و شروطی باید از محصلان محدوده جغرافیایی خود ثبت نام کنند، روز به روز تنگتر می شود. در بعضی مناطق تعدادشان از انگشتان یک دست فراتر نمی رود. گویی مسئولین این نهاد بزرگ، کم کردن این نوع مدارس را بیشتر خوش می دارند. تن مجروح مدارس دولتی دیگر توان جدا کردن چند مدرسه خوب دیگر را ندارد. طرح مدارس امین می تواند طرح خوبی باشد به شرط آنکه نقطه شروع آن ها تأسیسی باشد نه اینکه مدارس حاضر و آماده را از محصلان جدید (ضمن گزینش و آزمون) پر کنند و محصلانی را که به هر دلیل نمی خواهند در چنین طرحی ادامه تحصیل دهند برانند. این طرح، باری از دوش آموزش و پرورش در رابطه با تحول کیفی و ارتقاء وضعیت فعالیت های تربیتی مدارس دولتی بر نمی دارد زیرا نوعی مدارس خاص را بر دوش آموزش و پرورش تحمیل می کند که یا باید راه استقلال مشی را طی کنند و به مرور به نوعی دریافت شهریه از محصلان خاص خود رو بیاورند و یا در نوعی تداخل مشی به فرسایش بگرایند. حضور روحانیون زمانی می تواند موثر باشد که آموزش و پرورش در ساختار مدارس دولتی تغییرات بنیادی را به انجام برساند و تعریف راهبردی و عملیاتی از تربیت دینی ارائه نماید، تعریف جدیدی بنماید از مدرسه و فعالیت های پرورشی و تربیتی با توجه به نقشه راهی که در آن جایگاه تنوع نظرات و نقش نهاد های مدنی و مردم سالارانه مشخص باشد. فرسوده کردن روحانیون در طرح هایی که یا فرجام آن ها مشخص نیست و یا فرصت حضور دوباره آن ها را کم رنگ می کند به نفع نظام تعلیم و تربیت کشور نیست. از طرف دیگر: معلمان و دانش آموزان و خانواده ها توقع دارند این نهاد پر سابقه که علی رغم تمام مشکلات و گرفتاری ها روی پا ایستاده، با حفظ

استقلال خود نشان بدهد که کفایت تربیت فرزندان این مرز و بوم را دارد، با تمام تفاوت های سلیقه ای و اعتقادی که دارند و با تعامل سازنده با همه ن هاد های متولی تعلیم و تربیت که در سند تحول به عنوان ارکان تربیت شمرده شده اند می تواند چرخش بزرگ و بنیادی را انجام دهد. قدر زحمات مدیران و مربیان و معلمان و خصوصاً انجمن های اولیاء را می داند و قادر است رسالت خود را با کفایت به انجام برساند.

نتیجه گیری

آموزش و پرورش می تواند با هر موسسه ای که در پیشبرد اهداف آموزشی و پرورشی دانش آموزان فعالیت می کند تفاهم نامه امضاء کند. اما همواره باید یک نکته اساسی را سر لوحه کار خود قرار بدهد و آن این است که به کلیت نظام تعلیم و تربیت ذی نفعانش آسیب نرسد. به عبارت دیگر علاوه بر توجه به "نتایج"، به "پیامد ها" نیز دقت نماید. ساختار آموزش و پرورش ایران در حال حاضر دچار نوعی از هم گسیختگی ناشی از تحولات پی در پی و تصمیم گیری های خلق الساعه است. تنوع مدارس از غیر دولتی بگیر تا مدارس خاص (وابسته به ن هاد ها و موسسات، دانشگاه ها...)، که عمدتاً نظارت مسئولین بر آن ها صرفاً در مرحله تقنینی و گاهی هم حضور برای پیگیری روند های اجرایی بعضی از دستورالعمل ها و بخشنامه های اداری در این مدارس است. بی شک فرایند فرسوده بخش های اداری مناطق آموزش و پرورش توان خط دهی و نظارت قاطع بر فعالیت های آموزشی در این موسسات را ندارند. لذا در موارد زیادی فعالیت این دست از مدارس در غیبت مجریان دولتی جریان دارد، مثلاً: اگر چه تابلویی در دفتر ثبت نام مدرسه نصب می شود که درجه مدرسه از حیث ارائه خدمات آموزشی و مقدار شهریه مصوب و مبلغ کلاس های فوق برنامه، تقویتی... در آن به چشم می خورد، اما همه می دانیم که دریافت ها عمدتاً طبق قرارداد های نانوشته صورت می گیرد و گاهی هیچ تناسبی با مبلغ مصوب ندارد. این یکی از پیامد ها شمرده می شود که متقاضیان را می آزارد و کنترل آن از دست مجریان دولتی خارج شده است. و نیز تا زمانی که تیغ تیز کنکور زیر گلوی فرزندان و خانواده هاست و تا وقتی که رقابت برای پُر کردن بهترین صندلی ها در بهترین دانشگاه ها جریان دارد، حضور موسسات

مرتبط با کنکور و فعالیت آماده سازی برای این رقابت سنگین، مدارس را تحت الشعاع خود قرار می دهد. ما ناظر حضور مردان و پسران جوان وابسته به موسساتی مانند قلم چی و... هستیم که بسیار پر تعداد در دبیرستان های دخترانه سطح شهر رؤیت می شوند. همه چیز وابسته شده به توان و کنترل ودقت مدیران مدارس... این توافقات وتفاهمات بین آموزش و پرورش وسایر موسسات و مراکز آموزشی نه تن ها نیازمند تأمل جدی در نتایج است بلکه باید به پیامدی آن ها نیز توجه داشت. اما دخالت وحضور روحانیون در مدارس از مقوله دیگری است. در "سند تحول"آموزش و پرورش به تعامل با مراکز مذهبی ومساجداذعان دارد. اینکه پای محصلان به مساجد باز شود، اینکه ائمه جماعات مساجد در جهت تقویت بنیه تربیت دینی فرزندان این آب وخاک مسئولیت دارند، جای هیچ شک وشبهه ای نیست. در یک جامعه اسلامی، خانواده ها حق دارند از امکانات مساجد در جهت تقویت اعتقادی فرزندانشان استفاده کنند ومساجد نیز باید در این زمینه اولویت ها را در نظر گیرند. اگر مدیریت مدرسه ومربیان پرورشی ومعلمان، در یک چ هارچوب منسجم تربیتی برنامه ریزی نکنندو پازل بزرگ فعالیت های تربیتی را در جای مخصوص خود نچینند وهر قدمی که بر داشته می شود در توجیه وادامه برنامه های قبل وبعد نباشد، چه اتفاقی می افتد؟ اینجاست که بی توجهی به پیامد ها، آسیب رسان می شود. برای مثال تعدادی روحانی با انگیزه خدمت به بچه ها به مدارس وارد می شوند. تا زمانی که مسئله اقامه نماز جماعت است، مشکلی نیست، اما وقتی مدیران به دنبال پیدا کردن پنجره خالی که البته از اول سال وموقع نوشتن برنامه درسی پیش بینی نشده به تکاپو می افتند، (البته امکان چنین پیش بینی هم کمتر وجود دارد زیرا بسیاری از این طرح ها متکی بر بودجه هایی هستند که نه در برنامه سالانه آموزش و پرورش بلکه به دنبال رایزنی های بعد از تصویب بودجه زنده می شوند)، در این حالت، وضعیت دیدنی است، از معلمان دروس عمومی، خواهش می کنند که این زنگ وکلاس را در اختیار روحانی مدعو بگذارد. بچه ها منتظر ورود معلم... خدا خواسته یک روحانی وارد کلاس می شود. نوع چیدمان کلاس اساساً برای این فعالیت مناسب نیست، خصوصاً وقتی که روحانی فوق الذکر می خواهد مبحثی اخلاقی یا عبادی ویا حتی اعتقادی را مطرح کند. در مدارس دولتی به علت تنوع رفتاری واخلاقی وحتى نگرشی ونبود

نیروی انسانی کافی، عمدتاً موفقیت نظام مندی بر چنین فعالیتی مترتب نیست (در نوبت های بعدی هم فرصت ورود به آن کلاس فراهم نبوده و معمولاً سهم هر کلاس یک مرتبه در سال بیشتر نیست) این حضور اتفاقی، کدام پازل تربیتی را تکمیل می کند؟ اگر مسئولین بگویند در این فرصت به شب هات بچه ها پاسخ داده می شود و یا مطالبی مطرح می گردد که در ایجاد تحول در محصلان موثر بوده، کافی است سری به مدارس بزنند و با یک بررسی اجمالی ببینند که چگونه بعضی از این برنامه ها، مدرسه را از روال طبیعی و روز مره خود خارج می کند که پیامد هایش به نتایج ضعیفش نمی ارزد. مگر آنکه از تابستان، چنین کلاس هایی پیش بینی شده و در جدول برنامه های درسی گنجانیده شوند. البته ورود روحانیون به اتاق های هوشمند مدارس (اتاق هایی که به یک دستگاه رایانه و ویدئو پرژکتور مجهزند) نیز خود یک ابتکار دیگری است. دانش آموزان از دیدن این برنامه ها و شنیدن توضیحات روحانی مجری طرح یقیناً بهره مند می شوند، مسئولین آموزش و پرورش و حتی مدیران مدارس محلی چقدر در تولید این محتوا ها دخالت دارند؟ این تولیدات پاسخگوی کدام بخش از معضلات تربیتی است؟ چون نقشه کاملی در دست مجریان تربیتی مدارس نیست (این در حالی است که کتابخانه های مدارس، آزمایشگاه ها و... فاقد یک فعالیت هدفمند و منسجم هستند). حتی گاهی بخش زیادی از معلمان و حتی کادر مدرسه خبری از پشت در بسته این کلاس ها ندارند و نمی توانند در باره این طرح ها نظر کنند. از دید مدیران مدارس این برنامه ها فرصتی برای پر کردن وقت های خالی محصلان شمرده می شود (حتی مدیری به روحانی مدعو گفته بود اگر روزی معلمی نیامد ما به شما زنگ می زنیم برای کلاس مورد نظر تشریف بیاورید!). و کسی متعاقب آن پیگیری نمی کند که تا چه میزان این فعالیت ها تأثیر گذار بوده است. به نظر می آید درست اجرا نشدن این طرح ها و درست جا نیفتادن این طرح ها در برنامه های مدرسه، بزرگترین پیامد منفی را به دنبال دارد و آن بوزده کردن طرح ها و گرفتن فرصت های مجدد ارائه آن هاست. فرزندان ما نیازمند طرح های نظام مندی هستند که بنیاد های تربیت دینی را در آن ها مستحکم کند و آموزش و پرورش باید این رسالت سنگین را با هوشیاری به انجام برساند و ضمن حفظ استقلال و اعتبار خود از همه ظرفیت های موجود

بهره بگیرد. اگر مرجعیت و کفایت خود را در این باره از طرف ذی نفعانش زیر سؤال ببرد یقیناً دچار خُسران غیر قابل جبران شده است.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد به آموزش و پرورش

۱. استفاده از دبیران مؤمن و آگاه به مبانی دینی
۲. برگزاری دوره های آموزش ضمن خدمت جهت افزایش معلومات معلمان در زمینه تربیت دینی
۳. برگزاری دوره های ضمن خدمت جهت آشنایی با اصول تربیت دینی دانش آموزان.

پیشنهاد به مدیران مدرسه

۱. برگزاری جلسات انجمن اولیاء و مربیان و دعوت از مشاوران مجرب برای آموزش چگونگی تربیت دینی به خانواده ها.
۲. نظارت بر اخلاق، رفتار و شیوهی آموزش معلمان و برگزاری جلسات با آنان جهت یادآوری، تذکر و بررسی عملکرد آنان.

پیشنهاد به معلمان

۱. افزایش مطالعات و توانایی های خود برای تربیت بهتر دانش آموزان.
۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و بکارگیری این ابعاد در تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان.
۳. ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته های کتاب.
۴. تغییر شیوهی ارزشیابی دروس دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم.

۵. استفاده از داستان و ارائه‌ی الگو در جهت درک بهتر معارف دین.

۶. گروه بندی دانش آموزان برای افزایش اختیارات و عزت نفس آن ها.

توصیه به خانواده ها

۱. نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آن ها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست.

۲. همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روضه ها و جلسات دینی.

۳. افزایش مطالعات در زمینه‌ی دین و تربیت دینی و زمینه سازی در فرزندان جهت آمادگی برای پذیرش دین.

پیشنهاد به برنامه ریزان کتب درسی

۱. استفاده از نظرات دانش آموزان در تدوین کتب درسی.

۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و ارائه‌ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی متناسب با این ابعاد در کتب دینی و غیر آن.

۳. استفاده از لحن روان، تمثیل، الگو و داستان های واقعی.

۴. ارائه‌ی تمرین هایی که به افزایش قدرت تعقل و تفکر دانش آموز می‌انجامد.

۵. ارتباط منطقی مطالب کتب دینی و سایر کتب با معارف دینی.

منابع و مأخذ

- بگلوسیپاوش، حسین، ۱۳۹۴، بررسی نقش و جایگاه و عملکرد آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت دینی با توجه به رویکرد برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی در برنامه ریزی درسی مدارس، اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، کرمان
- خیبری، امیرحسین و منیدری، مظاهر، ۱۳۹۸، تربیت دینی دانش آموزان، اولین همایش ملی مدرسه فردا، اردبیل
- شرفی، محمود، شرفی، زینت. (۱۳۹۲). تحلیل و مقایسه نیاز های تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه در ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی ۱۴-۱۱۹، (۱۶) ۴،
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸) «آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان» «مجموعه مقالات همایش تربیت دینی» قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- کرم الهی، نعمت الله، اسداللهی، حبیب الله. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ارزیابی دانش آموزان از عملکرد مبلغان روحانی مدارس و نگرش آنان نسبت به روحانیت. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه.